



أبو عبید قاسم بن سلام و نقش او در توسعه‌ی علوم اسلامی

پوهنمل دکتور حبیب الرحمن رضاپور

دپارتمنت تعلیمات اسلامی، پوهنځی شرعیات پوهنتون بدخشان

SH_HBR_T@badakhshan.edu.af

<https://orcid.org/0009-0001-1109-9312>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

در تاریخ علوم اسلامی، به‌ویژه در عرصه‌ی حدیث، تفسیر و زهد، شماری از عالمان برجسته با تلاش‌های علمی و تربیتی خویش نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی میراث فکری امت اسلامی ایفا نموده‌اند. در این میان، أبو عبید قاسم بن سلام هروی به‌عنوان یکی از چهره‌های علمی خراسان، از جایگاه ویژه‌ای در میان علماء و فقهاء برخوردار است که بررسی زندگی و آثار وی می‌تواند در شناخت بهتر تحولات علمی آن دوره مؤثر واقع گردد. هدف این تحقیق، تبیین جایگاه علمی أبو عبید قاسم بن سلام هروی، بررسی نقش وی در گسترش علوم اسلامی و تحلیل تأثیرگذاری او بر جریان‌های فکری و تربیتی عصر خویش می‌باشد. روش تحقیق در این مطالعه، توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها از منابع معتبر تاریخی، حدیثی و تراجم گردآوری و سپس با رویکرد تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که أبو عبید قاسم بن سلام هروی با برخورداری از جایگاه رفیع علمی، در نقل و روایت احادیث، تربیت شاگردان و ترویج مفاهیم زهد و تقوا نقش برجسته‌ای داشته است. در نتیجه، می‌توان گفت که أبو عبید قاسم بن سلام هروی از شخصیت‌های تأثیرگذار علمی خراسان وقت و افغانستان فعلی به‌شمار می‌رود که جایگاه علمی او نه تنها در حوزه حدیث، بل که در عرصه اقتصاد، و سایر علوم دینی نیز قابل توجه بوده و بررسی آثار و اندیشه‌های وی می‌تواند به غنای مطالعات اسلامی معاصر کمک نماید.

کلید واژه‌ها : ابو عبید، اقتصاد اسلامی، حدیث، خراسان، زهد، علوم اسلامی، قاسم بن سلام

هروی، محدثان

The Role of Abu Ubayd al-Qasim ibn Sallam in the Formation and Development of Islamic Sciences

Author
Email
Orcid

Habiburrahman Rizapoor

Department of Islamic Studies, Faculty of Sharia, Badakhshan University

SH_HBR_T@badakhshan.edu.af

<https://orcid.org/0009-0001-1109-9312>

Abstract

In the history of Islamic sciences, particularly in the fields of Hadith, Qur'anic exegesis (Tafsir), and asceticism (Zuhd), a number of distinguished scholars played a decisive role in shaping the intellectual heritage of the Muslim community through their scholarly and educational contributions. Among them, Abu Ubayd al-Qasim ibn Sallam al-Harawi stands out as one of the prominent scholars of Khurasan, occupying a distinguished position among Muslim scholars and jurists. Examining his life and scholarly legacy can contribute to a deeper understanding of the intellectual developments of his era. This study aims to elucidate the scholarly status of Abu Ubayd al-Qasim ibn Sallam al-Harawi, investigate his role in the development of Islamic sciences, and analyze his influence on the intellectual and educational currents of his time. The research adopts a descriptive-analytical method. Data were collected from authoritative historical, Hadith, and biographical sources and subsequently analyzed through a critical and analytical approach. The findings indicate that Abu Ubayd al-Qasim ibn Sallam al-Harawi, owing to his eminent scholarly standing, played a significant role in the transmission and narration of Hadith, the education of students, and the promotion of the values of asceticism and piety. Furthermore, his contributions extended beyond the field of Hadith to areas such as Islamic economics and other religious sciences. The study concludes that Abu Ubayd al-Qasim ibn Sallam al-Harawi was one of the most influential scholarly figures of historical Khurasan, encompassing parts of present-day Afghanistan, whose intellectual legacy deserves greater attention in contemporary Islamic studies. A comprehensive examination of his works and ideas can enrich modern scholarship on the development of Islamic thought and civilization.

Keywords: Abu Ubayd, Islamic Economics, Hadith, Khurasan, Asceticism (Zuhd), Islamic Sciences, al-Qasim ibn Sallam al-Harawi, Hadith Scholars.

مقدمه

الْحَمْدُ لِلّٰهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِيْنُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَتَوْمُنٌ بِهِ وَتَوَكُّلٌ عَلَيْهِ، وَنَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ، وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

در تاریخ علوم اسلامی، به‌ویژه در سده‌های نخستین، شخصیت‌های علمی برجسته‌ای ظهور نمودند که نقش اساسی در تدوین، تنقیح و توسعه‌ی علوم مختلف اسلامی ایفا کردند. یکی از این چهره‌های اثرگذار، ابو عبید قاسم بن سلام هروی (م. ۲۲۴هـ) است که به‌عنوان یکی از پیشگامان در عرصه حدیث، اقتصاد اسلامی، لغت، فقه‌الحدیث و علوم قرآنی شناخته می‌شود. منابع تراجم و طبقات، هم‌چون آثار ابن سعد، خطیب بغدادی و ذهبی، وی را عالمی جامع‌الاطراف توصیف کرده‌اند که هم در نقل روایت و هم در تحلیل علمی متون دینی جایگاه برجسته‌ای داشته است. آثار مهم او، به‌ویژه در حوزه‌ی غریب‌الحدیث و مسائل فقهی مستنبط از حدیث، نشان‌دهنده عمق نگاه علمی و روش‌مندی او در مواجهه با نصوص شرعی می‌باشد.

بررسی منابع تحقیقی معاصر نیز نشان می‌دهد که ابو عبید قاسم بن سلام هروی در شکل‌گیری بسیاری از مبانی علوم اسلامی، به‌ویژه در پیوند میان لغت و حدیث، نقش بنیادین داشته است. محققان معاصر در آثار خود بر این نکته تأکید دارند که وی از نخستین عالمانی است که به‌صورت نظام‌مند به جمع‌آوری، تحلیل و توضیح مفاهیم دشوار حدیثی پرداخته و بدین ترتیب، زمینه را برای توسعه‌ی روش‌های علمی در فهم متون دینی فراهم ساخته است. از این‌رو، مطالعه‌ی جایگاه علمی او نه‌تنها برای شناخت تاریخ علوم اسلامی اهمیت دارد، بل که در درک سیر تحول روش‌شناسی علمی در تمدن اسلامی نیز نقش کلیدی ایفا می‌کند.

تبیین مسأله

با وجود آن‌که ابو عبید قاسم بن سلام هروی در منابع کلاسیک تراجم و طبقات به‌عنوان یکی از علمای برجسته قرن دوم و سوم هجری معرفی شده و آثار او در حوزه‌هایی چون حدیث، اقتصاد اسلامی، لغت و فقه‌الحدیث مورد توجه قرار گرفته است، اما بررسی‌های دقیق نشان می‌دهد که جایگاه علمی و نقش تمدن‌ساز وی در تکوین و توسعه‌ی علوم اسلامی هنوز به‌صورت جامع، منسجم و روشمند تبیین نگردیده است. اکثریت منابع موجود یا به معرفی کلی شخصیت او بسنده کرده‌اند، یا صرف به ذکر آثار و روایات مربوط به وی پرداخته‌اند، بدون آن‌که نقش روش‌شناختی و تأثیر نظام‌مند او در شکل‌گیری ساختارهای علمی علوم اسلامی به‌گونه تحلیلی مورد واکاوی قرار گیرد.

از سوی دیگر، در مطالعات معاصر نیز اگرچه به جایگاه وی در پیوند میان لغت و حدیث و هم‌چنین در توسعه‌ی برخی مبانی علوم قرآنی اشاره شده است، اما هنوز خلائیت تحقیقی در تحلیل جامع و

تطبیقی جایگاه او در روند تکوین علوم اسلامی به‌وضوح احساس می‌گردد. به‌ویژه این پرسش اساسی مطرح است که أبو عبید قاسم بن سلام هروی تا چه اندازه در شکل‌دهی به ساختار معرفتی علوم اسلامی نقش داشته و سهم او در انتقال از مرحله نقل صرف به مرحله تحلیل و نظام‌مندسازی علمی متون دینی چگونه قابل ارزیابی است. بنابراین، این تحقیق در صدد آن است تا با رویکردی تحلیلی، این خلای علمی را مورد بررسی قرار داده و جایگاه واقعی او را در تاریخ تطور علوم اسلامی به‌صورت دقیق‌تر تبیین نماید.

اهمیت تحقیق

این تحقیق از دیدگاه علمی دارای اهمیت ویژه‌ای است، زیرا به بررسی یکی از چهره‌های بنیادین در تاریخ علوم اسلامی، یعنی أبو عبید قاسم بن سلام هروی، می‌پردازد؛ شخصیتی که نقش مهمی در شکل‌گیری و نظام‌مندسازی علوم حدیث، اقتصاد اسلامی، لغت و فقه‌الحدیث داشته است. مطالعه‌ی دقیق جایگاه علمی وی می‌تواند به روشن‌سازی سیر تطور روش‌های علمی در فهم متون دینی کمک نموده و ابعاد ناشناخته یا کم‌تر بررسی‌شده‌ای از تاریخ علوم اسلامی را آشکار سازد. از این جهت، این تحقیق می‌تواند خلای موجود در مطالعات تاریخی-تحلیلی پیرامون نقش دانشمندان نخستین در تدوین علوم اسلامی را تا حدی برطرف نماید.

از منظر نظری نیز این تحقیق حائز اهمیت است، زیرا به تبیین نقش روش‌شناختی ابن سلام هروی در پیوند میان علوم لغوی و حدیثی می‌پردازد و بدین وسیله، به درک بهتر مبانی معرفت‌شناسی در علوم اسلامی کمک می‌کند. بررسی اندیشه و رویکرد علمی او می‌تواند الگویی برای فهم چگونگی تحول از نقل صرف به تحلیل علمی در سنت اسلامی ارائه دهد. بنابراین، این تحقیق نه تنها در بازسازی تاریخی نقش وی مؤثر است، بل که در توسعه‌ی چارچوب‌های نظری مربوط به روش‌شناسی علوم اسلامی نیز سهم قابل توجهی خواهد داشت.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی: أبو عبید قاسم بن سلام هروی چه جایگاهی در تکوین و توسعه‌ی علوم اسلامی داشته و نقش علمی او چگونه قابل تبیین و ارزیابی است؟

پرسش‌های فرعی

۱. مهم‌ترین ابعاد علمی شخصیت أبو عبید قاسم بن سلام هروی در منابع کلاسیک و معاصر چگونه معرفی و تحلیل شده است؟
۲. آثار و تألیفات أبو عبید هروی چه نقشی در شکل‌گیری و نظام‌مندسازی علوم حدیث، اقتصاد اسلامی لغت و تفسیر ایفا کرده است؟

۳. رویکرد روش‌شناختی أبو عبید قاسم بن سلام هروی در فهم و تحلیل متون دینی چه ویژگی‌هایی داشته و چه تأثیری بر اندیشمندان پس از او گذاشته است؟

۴. جایگاه أبو عبید قاسم بن سلام هروی در پیوند میان علوم لغوی و حدیثی چگونه قابل ارزیابی و تبیین است؟

اهداف تحقیق

هدف اصلی: تبیین و ارزیابی جایگاه علمی أبو عبید قاسم بن سلام هروی در تکوین و توسعه‌ی علوم اسلامی با تأکید بر نقش روش‌شناختی و علمی وی.

اهداف فرعی

۱. شناسایی و تحلیل ابعاد علمی شخصیت أبو عبید قاسم بن سلام هروی بر اساس منابع کلاسیک و مطالعات معاصر؛

۲. بررسی نقش آثار و تألیفات أبو عبید هروی در شکل‌گیری و نظام‌مندسازی علوم حدیث، لغت و تفسیر؛

۳. تحلیل رویکرد روش‌شناختی أبو عبید هروی در فهم، تبیین و استنباط از متون دینی و تأثیر آن بر اندیشمندان پس از وی؛

۴. تبیین جایگاه علمی أبو عبید قاسم بن سلام هروی در پیوند و تعامل میان علوم لغوی و حدیثی در سنت علمی اسلامی.

پیشینه‌ی تحقیق

مطالعات انجام‌شده در حوزه‌ی شخصیت علمی أبو عبید قاسم بن سلام هروی نشان می‌دهد که این موضوع از زوایای مختلف مورد توجه محققان قرار گرفته است؛ با این حال، بیش‌تر این تحقیقات بر ابعاد اقتصادی، فقهی متمرکز بوده و کم‌تر به نقش جامع او در تکوین علوم اسلامی و جایگاه روش‌شناختی وی پرداخته‌اند. در میان آثار موجود، می‌توان به پژوهش‌هایی اشاره نمود که هرچند به‌طور مستقیم با موضوع این تحقیق هم‌پوشانی کامل ندارند، اما در غنای ادبیات موضوعی نقش مهمی ایفا کرده‌اند.

از جمله این آثار می‌توان به نوشته‌های زیر اشاره کرد:

۱. دراسة بعنوان "Relevansi Pemikiran Ekonomi Abu Ubaid Di Indonesia" اثر محمد إعزاز نور جمان (۲۰۲۰) که به بررسی اندیشه اقتصادی أبو عبید و کاربرد آن در اندونزی پرداخته است؛

۲. نوشته مؤثوفین سودارنو حمیدی با عنوان "ترجیحات الإمام أبي عبید القاسم بن سلام في الزكاة في كتاب الأموال (2018)" که به بررسی روش استدلالی وی در مسائل زکات و منهج او در جمع و ترجیح روایات اختصاص دارد؛

۳. هم‌چنین، در تحقیقاتی تطبیقی مانند مقاله جنیدی سافتری و عبدالمهیمن فخری (2017)، اندیشه اقتصادی أبو عبید با نظریات اقتصادی غربی هم‌چون آدام اسمیت مقایسه شده است؛

۴. علاوه بر این، برخی مطالعات مانند تحقیقاتی Jean-Francois Trani و هم‌کاران (۲۰۱۶)، و Magda Ismail A. Mohsin (2015)، به موضوع فقر در جوامع اسلامی و نقش ابزارهایی چون زکات پرداخته‌اند؛

۵. در سطح تحقیقات متنی، تحقیق تصحیحی کتاب «الأموال» توسط أبو انس سید رجب و أبو إسحاق الجونی (۲۰۰۷) و نیز اثر ساند محمد یحیی بکدش (۱۹۹۱) در معرفی شخصیت علمی و آثار أبو عبید اهمیت دارد.

با وجود تنوع این تحقیقات، نکته اساسی آن است که هیچ‌یک از این آثار به‌صورت مستقل و جامع به بررسی «نقش أبو عبید قاسم بن سلام هروی در تکوین و توسعه‌ی علوم اسلامی از منظر روش‌شناختی و علمی» نپرداخته‌اند. بیش‌تر پژوهش‌ها یا جنبه اقتصادی و فقر را محور قرار داده‌اند، یا صرفاً به معرفی شخصیت و آثار وی بسنده کرده‌اند.

ویژگی متمایز این تحقیق در آن است که برخلاف مطالعات پیشین، صرفاً به یک بُعد محدود (مانند اقتصاد یا زکات) اکتفا نمی‌کند، بل که با رویکردی تحلیلی و جامع، جایگاه علمی أبو عبید را در پیوند میان علوم حدیث، اقتصاد اسلامی، لغت و فقه‌الحديث بررسی نموده و نقش او را در فرآیند تکوین ساختار علمی علوم اسلامی به‌صورت منسجم و روش‌مند تبیین می‌نماید. از این رو، این تحقیق می‌تواند خلای موجود در ادبیات علمی را پر نموده و دیدگاه تازه‌ای نسبت به شخصیت علمی وی ارائه دهد.

روش تحقیق

این تحقیق با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در بخش توصیفی، اطلاعات مربوط به زندگی، جایگاه علمی، آثار و دیدگاه‌های أبو عبید قاسم بن سلام هروی از منابع معتبر کلاسیک مانند کتب تراجم، طبقات، مصادر حدیثی و تفسیری، و نیز تحقیقاتی معاصر گردآوری و تنظیم گردیده است. در این مرحله تلاش شده است تا تصویر دقیق و مستندی از جایگاه علمی وی در جامعه اکادمیک اسلامی ارائه گردد.

در بخش تحلیلی، داده‌های گردآوری‌شده با رویکرد انتقادی و علمی مورد بررسی قرار گرفته و نقش أبو عبید در تکوین و توسعه‌ی علوم اسلامی، به‌ویژه در پیوند میان علوم حدیث، اقتصاد

اسلامی، لغت و فقه‌الحديث تحليل گرديده است. هم‌چنين، روش‌شناسی علمی او در برخورد با متون دینی، شیوه استدلال، و تأثیر آن بر جریان‌های علمی پس از وی مورد واکاوی قرار گرفته است. در این تحقیق، از روش مقایسه‌ای نیز در حد ضرورت برای تبیین جایگاه وی در میان دیگر عالمان هم‌عصر و پس از او استفاده شده است تا ابعاد تأثیرگذاری علمی او به‌صورت دقیق‌تر روشن گردد.

نتایج و یافته‌ها

شخصیت ابن سلام هروی و جایگاه علمی وی: أبو عبید القاسم بن سلام بن مسکین بن زید الأزدي، که در اصل غلامی رومی تبار بود، در شهر هرات از ولایت خراسان (افغانستان) در سال ۱۵۷ هجری مطابق با ۷۷۳ میلادی متولد گردید. (محمد عماره، ۱۹۸۹م: ۳۴) در مورد تاریخ دقیق ولادت وی اختلاف اقوال وجود دارد و برخی ولادت وی را بین سال‌های ۱۵۰ تا ۱۵۴ هجری ذکر کرده‌اند، اما قول راجح همان سال ۱۵۷ هجری است. وی در آغاز عمر، نزد معلم مکتب به فراگیری خواندن و نوشتن پرداخت و سپس برای تکمیل دانش خویش به محضر علمای عصر، به‌ویژه محدثان، فقها و اهل لغت و ادب روی آورد. او علوم نحو، قرائت، حدیث و فقه را از استادانی چون اسماعیل بن جعفر، شریک، اسماعیل بن عیاش، سفیان بن عیینه، یزید بن هارون، اسماعیل بن علینة، حجاج بن محمد، یحیی بن سعید القطان، عبد الرحمن بن مهدی، مروان بن معاویه، حماد بن مسعدة، عمر بن یونس، ابو بکر بن عیاش و اسحاق ازرق و دیگران فرا گرفت. (محمد عماره، ۱۹۸۹م: ۲۴) شوق علمی او تا آن‌جا بود که در اواخر عمر برای استماع حدیث از استاد خود حماد بن زید به بصره سفر کرد، اما هنگام رسیدن، خبر وفات استادش را دریافت نمود و سخت اندوهگین شد. (ربیع محمود، ۱۹۸۳م: ۴-۵) وی با هفت خلیفه عباسی از دوره خلافت مهدی تا معتصم معاصر بود و تحولات علمی و سیاسی آن عصر را درک نمود. (محمد عماره، ۱۹۸۹م: ۲۹-۳۰).

ابن سلام در طلب علم نهایت جدیت داشت و همواره در انتظار خروج علما می‌ماند تا از آنان بهره گیرد. او می‌گفت: «هرگز نزد عالمی نرفتم مگر آن‌که منتظر شدم تا خود او بیرون آید»، و این عمل را بر اساس آیه قرآن کریم (وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ) (الحجرات: ۵) انجام می‌داد. (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ۳۲۷) وی از علمای بصره و کوفه بهره فراوان برد و به مرتبه اجتهاد رسید و از تقلید محض مذهب خاصی فاصله گرفت. او علوم لغت را از ابوعمرو بن مراز شبیانی، عبد الملک بصری، کسائی و معمر بن مثنی فرا گرفت؛ قرائات را از اسماعیل بن جعفر، حجاج بن محمد، شجاع بن ابی نصر، علی بن حمزه کسائی و هشام بن عمار؛ و حدیث را از

اسماعیل بن عیاش، سفیان بن عیینه، عبد الرحمن بن مهدی، عبد الله بن مبارک و هشیم بن بشیر آموخت. (بکدش، ۱۹۹۱: ۳۷-۴۷).

پس از تکمیل علوم، به هرات بازگشت و به تعلیم اطفال پرداخت و به‌عنوان مؤدب شهرت یافت تا آن‌جا که جاحظ نیز از او در کتاب المؤدبین یاد کرده است. سپس به‌عنوان مؤدب فرزند ثابت بن نصر خزاعی فعالیت نمود و هنگامی که وی به ولایت طرطوس منصوب شد، ابن سلام را همراه خود برد و او را به قضاوت آن شهر گماشت. وی حدود هجده سال (از ۱۹۲ تا ۲۱۰ هجری) منصب قضا را در طرطوس بر عهده داشت. (محمد عماره، ۱۹۸۹م: ۲۷) پس از آن در بغداد نزد عبد الله بن طاهر اقامت گزید و ماهانه ده هزار درهم مقرری دریافت می‌کرد. هم‌چنین مدتی در مصر اقامت نمود، سپس به بغداد بازگشت و در نهایت برای ادای حج در سال ۲۲۳ هجری به مکه رفت و پس از حج در همان‌جا ماندگار شد تا در سال ۲۲۴ هجری وفات یافت و در دار جعفر بن ابی طالب دفن گردید. (محمد عماره، ۱۹۸۹م: ۲۷-۲۸).

ابن سلام دارای شاگردان فراوانی بود که از جمله مشهورترین آنان می‌توان به ابراهیم بن اسحاق حربی، احمد بن یحیی بلاذری، عباس بن محمد دوری، عبد الله بن عبد الرحمن دارمی، عبد الله بن محمد بن ابی دنیا و محمد بن إسحاق صاغانی اشاره کرد. (بکدش، ۱۹۹۱: ۳۷-۴۷) علما آثار او را بسیار ستوده‌اند؛ جاحظ گفت: «هیچ کس کتاب‌هایی نیکوتر و مفیدتر از او نگاشته است»، و دیگران او را امام فنون مختلف دانسته‌اند. از جمله آثار او می‌توان به کتاب غریب القرآن، معانی القرآن، فضائل القرآن، الناسخ و المنسوخ، غریب الحديث، أدب القاضي، الأیمان و الذور، معانی الشعر، الأمثال و دیگر آثار متعدد اشاره کرد که مجموع آن‌ها حدود ۳۵ کتاب ذکر شده است. (محمد عماره، ۱۹۸۹م: ۲۷-۲۸).

ابن سلام هروی از نظر علمی، در حدیث، فقه، لغت و قرائات به مرتبه‌ای بلند دست یافت و به‌عنوان یکی از نخستین علمایی شناخته می‌شود که به‌صورت نظام‌مند در علم قرائت کتاب تألیف کرد. بزرگان حدیث مانند احمد بن حنبل، ابن معین، ابو داود، دارقطنی و ابن حبان او را ثقه، امام و مورد اعتماد کامل دانسته‌اند. جاحظ او را در علم، هم‌چون کوهی استوار توصیف کرده است و اسحاق بن راهویه او را داناتر از بسیاری از بزرگان عصر خود دانسته است. وی از نظر فقهی به درجه اجتهاد رسیده بود و به هیچ مذهب خاصی تعصب نداشت، به گونه‌ای که پیروان مذاهب مختلف او را از خود می‌پنداشتند. هم‌چنین از نظر اخلاقی دارای تواضع، ورع، عبادت و زهد بود و شب‌های خود را به عبادت، تألیف و استراحت تقسیم می‌کرد. علما او را جامع فضایل، صاحب اخلاق نیکو و نمونه‌ای برجسته از عالم عامل معرفی کرده‌اند. (محمد عماره، ۱۹۸۹م: ۲۷-۲۸).

با توجه به کثرت منابعی که از او یاد کرده‌اند، از جمله آثار خطیب بغدادی، ابن ندیم، ذهبی، ابن جزری، سیوطی، یاقوت حموی، ابن حبان و دیگران، می‌توان گفت که ابو عبید قاسم بن سلام هروی از بزرگ‌ترین چهره‌های علمی تمدن اسلامی به شمار می‌رود که در توسعه‌ی علوم حدیث، لغت، تفسیر و فقه نقش بنیادین و ماندگار داشته است. (محمد عماره، ۱۹۸۹م: ۲۷-۲۸).

امام ابو عبید قاسم بن سلام هروی، آثار و تألیفات علمی متنوع و شگفت‌انگیزی از خود بر جای گذاشت. از همین رو، جاحظ درباره‌ی وی گفته است: «ابو عبید ادیب و دانشمندی بود که مردم کتاب‌هایی صحیح‌تر و سودمندتر از آثار او نوشته‌اند. شمار تألیفات او به سی و پنج کتاب می‌رسد که برخی از آن‌ها آثار بزرگ و مفصل، و برخی دیگر رساله‌های کوچک‌اند. از جمله آثار او می‌توان به: غریب القرآن، معانی القرآن، فضائل القرآن، الناسخ والمنسوخ، عدد آی القرآن، رساله‌ای درباره‌ی لغات قبایل وارد شده در قرآن کریم، القراءات، المقصور والممدود، غریب الحدیث، الحجر والتفلیس، أدب القاضي، الطهارة، الأیمان والنذور، الحیض، آداب الإسلام، کتابی درباره‌ی ایمان، نشانه‌ها و سنت‌های آن و تکمیل مراتب ایمان، الخطب والمواعظ، غریب المصنف، الأجnas من کلام العرب، رساله‌ای درباره‌ی لفاظ مشابه و معانی متفاوت، الأمثال السائرة، المذکر والمؤنث، الأصداد والضد فی اللغة، فعل وأفعّل، خلق الإنسان ونعوته، النسب، معانی الشعر، الشعراء، الإیضاح، الأحداث، مقاتل الفرسان، النعم والبهائم والوحش والسباع والطیر والهوام والحشرات، و نیز فضائل الفرس اشاره کرد. (محمد عماره، ۱۹۸۹م: ۲۴-۲۶).

ابو عبید نخستین کسی بود که در علم قرائت کتابی مستقل تألیف کرد. ویهم چنین در حدیث و علوم حدیث جایگاه والایی داشت؛ چنان‌که گفته شده است: «ابو عبید شخصی مورد اعتماد و امین، صاحب اسانید، شارح احادیث غریب، و حافظی بود که گاه در روایت برخی احادیث، به‌تنهایی از دیگر ائمه‌ی حدیث نقل روایت می‌کرد.» خطیب بغدادی دو حدیث را از جمله روایات منحصربه‌فرد او یاد کرده است: یکی حدیثی از عایشه رضی‌الله‌عنها که گفت: «پیامبر ﷺ هنگامی که وضو می‌گرفت، ریش خویش را خلال می‌کرد.» و حدیث دیگر که تنها ابوالقاسم بن سلام آن را روایت کرده، چنین است که عایشه رضی‌الله‌عنها عبدالرحمن را در حال وضو دید و فرمود: «ای عبدالرحمن! وضو را کامل انجام بده؛ زیرا من از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: وای بر پاشنه‌ها از آتش دوزخ». (ربیع محمود، ۱۹۸۳م: ص ۱۵).

هم‌چنین از یحیی بن معین درباره‌ی نوشتن حدیث و استماع روایت از ابو عبید پرسیده شد؛ وی خندید و گفت: «شخصی مانند من درباره‌ی ابو عبید مورد پرسش قرار می‌گیرد؟ ابو عبید کسی است که مردم باید درباره‌ی او پرسش کنند. روزی نزد اصمعی بودم که ابو عبید وارد شد. اصمعی نگاهش را به‌سوی او دوخت تا نزدیک شد، سپس گفت: آیا این شخص را که می‌آید می‌شناسید؟

گفتند: آری. گفت: تا زمانی که این شخص زنده باشد، دنیا - یا مردم - تباه نخواهند شد. (محمد عماره، ۱۹۸۹م: ۳۴-۳۶).

هم‌چنین ابو عبید قاسم بن سلام از سوی ابو داود سجستانی چنین توصیف شده است: "او فردی مورد اعتماد و امین بود." ابن حجر رحمه‌الله نیز گفته است: "بخاری از او در جزء قراءه خلف الإمام یاد کرده و در کتاب الأدب و أفعال العباد از وی نقل نموده است." ابن حبان رحمه‌الله نیز درباره‌ی او می‌گوید: "او یکی از پیشوایان بزرگ دنیا بود؛ صاحب حدیث، فقه، دیانت، پارسایی و آگاهی گسترده در ادب و تاریخ مردم. او آثار فراوانی گردآوری، تألیف و گزینش کرد؛ از حدیث دفاع نمود، آن را یاری رسانید و مخالفان آن را سرکوب کرد." (ربیع محمود، ۱۹۸۳م: ص ۱۶). ابو عبید در فقه نیز جایگاهی بلند داشت. او از اصحاب مذاهب مشهور اسلامی یا شاگردان آنان دانش آموخت، اما نسبت به هیچ‌یک از مذاهب تعصب نداشت. از همین‌رو، پیروان هر مذهبی گمان می‌کنند که او به مذهب آنان وابسته بوده است؛ شافعیان او را شافعی، حنفیان او را حنفی، مالکیان او را مالکی، و پیروان احمد بن حنبل رحمه‌الله او را حنبلی می‌پندارند. در حقیقت، امام ابو عبید قاسم بن سلام به مرتبه‌ی اجتهاد رسیده بود و بر اساس منابع اصلی شریعت - که در همه‌ی آن‌ها مهارت و استواری داشت - به‌صورت مستقل احکام را استنباط می‌کرد. (ربیع محمود، ۱۹۸۳م: ص ۵۵).

ابو عبید دارای صفات و ویژگی‌های اخلاقی برجسته‌ای بود. سائد بکدش درباره‌ی او می‌گوید: ابو عبید میان علم و عمل، همراه با زیبایی اخلاق، جمع کرده بود. او دارای خصلت‌های پسندیده و صفات ستوده بود؛ بل که مجموعه‌ای از فضایل به‌شمار می‌رفت. وی از برگزیده‌ترین علما، صاحب دیانت، عبادت، زهد، پارسایی، عفت و بزرگواری بود و نسبت به علم و علما احترام و تعظیم فراوان داشت و از وقار و هیبت ویژه‌ای برخوردار بود. (بکدش، ۱۹۹۱: ۳۷-۴۷).

با آن که أبو عبید قاسم بن سلام هروی دانشمند و فقیهی بزرگ و دارای جایگاهی بلند در علم و فقهت بود، با طلاب علم و علاقه‌مندان دانش با نهایت فروتنی برخورد می‌کرد. چنان‌که خطیب بغدادی روایت کرده است که او کتاب‌هایش را برمی‌داشت و به استقبال دانش‌پژوهان می‌رفت. هم‌چنین گاهی به خانه‌ی برخی شاگردانش می‌رفت؛ برای نمونه، وی به منزل علی بن مدینی و عباس عنبری می‌رفت و در خانه‌های آنان حدیث روایت می‌کرد. (محمد عماره، ۱۹۸۹م: ۳۹).

هنگامی که کتاب‌های رجال و تاریخ را مطالعه می‌کنیم، درمی‌یابیم که بیش‌تر مؤلفان درباره‌ی او قلم زده‌اند و این امر، اهمیت شخصیت و جایگاه علمی او را، به‌ویژه در عرصه‌های گوناگون اندیشه‌ی عربی و اسلامی، نشان می‌دهد. برای نمونه، خطیب بغدادی در تاریخ بغداد، ابن ندیم در

الفهرست، قاضی ابویعلی در طبقات الحنابلة، یاقوت حموی در معجم الأدباء، ذهبی در میزان الاعتدال، تذکرة الحفاظ و تاریخ دول الإسلام، ابن جزری در طبقات القراء، انباری در نزہة الألباء فی طبقات الأدباء، سیوطی در بغیة الوعاة، ابن عماد در شذرات الذهب، شیرازی در طبقات الفقهاء، ابن اثیر در الکامل فی التاریخ، یافعی در مرآة الجنان، نووی در مختصر دول الإسلام و تهذیب الأسماء واللغات، زبیدی در المختصر من اللغویین، طاش کبری زاده در مفتاح السعادة، ابن تغری بردی در النجوم الزاهرة، خوانساری در روضات الجنات، بغدادی در إیضاح المکنون، حاجی خلیفه در کشف الظنون، و عبدالباقی یمانی در إشارة التعلین فی تراجم النحاة واللغویین دربارہی و سخن گفته‌اند. هم‌چنین شماری از محققان معاصر نیز پیرامون او نوشته‌اند: از جمله Carl Brockelmann در تاریخ الأدب العربی، Fuat Sezgin در تاریخ التراث العربی، محمد کرد علی در کنوز الأجداد، و نیز نویسندگان دائرة المعارف الإسلامية، افرام بستانی و خیر الدین الدین الزرکلی در الأعلام و معجم المؤلفین. (محمد عماره، ۱۹۸۹م: ۳۱-۳۹).

کتاب الأموال از جمله کهن‌ترین و معتبرترین آثار در حوزه ی سیاست مالی عمومی در شریعت اسلامی به‌شمار می‌رود و یکی از بزرگ‌ترین کتاب‌ها در فقه اسلامی محسوب می‌شود. این اثر نخستین کار بزرگ در میراث اسلامی در زمینه اموال است که مؤلف آن در آن به آیات قرآن کریم، احادیث نبوی، آثار صحابه و تابعین، و نیز وقایع و تطبیقات مالی در شریعت اسلامی استناد نموده است. هم‌چنان در این کتاب، اجتهادات فقها و علمای برجسته در این حوزه نیز مورد بحث قرار گرفته است. این کتاب از بهترین و ارزشمندترین آثار فقهی دانسته شده است، چنان‌که خطیب بغدادی می‌گوید: «کتاب الأموال از نیکوترین و ارزشمندترین تألیفات در فقه است..» (محمد عماره، ۱۹۸۹م: ۳۱-۳۹).

این کتاب به دلیل جامعیت خود در مسائل مالی، ممتاز می‌باشد؛ زیرا در آن نصوص قرآن و سنت، اقوال صحابه، تابعین و اتباع آنان ذکر شده و سپس میان اقوال مختلف بحث و بررسی صورت گرفته و رأی راجح با ذکر دلیل انتخاب گردیده است. (مؤلفین سودارنو حمید، ب.ت: ص ۴) حجم این کتاب تقریباً سه برابر کتاب «الخراج» ابو یوسف است. در آن مشکلات اقتصادی نیمه اول قرن دوم هجری بررسی شده و با استناد به احادیث نبوی و آثار صحابه و تابعین، راه‌حل‌های آن ارائه گردیده است. این کتاب تنها به یک نوع ثروت محدود نمی‌شود، بل که انواع مختلف ثروت از جمله زمین، تجارت و منابع دیگر را مورد بحث قرار می‌دهد. (نورجمان، ۲۰۲۰: ۵۱).

امام ابو عبید بر این باور است که حاکم و خلیفه دارای صلاحیت کامل در وضع سیاست‌های اقتصادی می‌باشند، مشروط بر آن‌که مخالف شریعت اسلامی نباشد و به مصلحت مردم باشد. هم‌چنین زکاتی که از اموال مردم جمع‌آوری می‌شود، باید یا به دولت یا به مستحقان آن

به صورت مستقیم داده شود. (نورجمان، ۲۰۲۰: ۵۴) أبو عبید قاسم بن سلام هروی در این کتاب حدود ۲۰۰۰ حدیث را ذکر کرده است و علاوه بر آن، دیدگاه‌های خود را در مسائل حدیث، تفسیر، فقه و لغت بیان می‌کند. او گاهی سند و متن حدیث را نقد نموده و الفاظ دشوار را توضیح می‌دهد. به همین دلیل، در هر فصل این کتاب عبارت «قال أبو عبید» دیده می‌شود. او اقوال علمای سلف را ذکر کرده و رأی راجح را در مسائل اختلافی بیان می‌کند و به هیچ مذهب خاصی پایبند نیست، بل که با استفاده از تعبیر «أختار» یا «نختار» رأی ترجیحی خود را بیان می‌نماید.

با وجود آن که کتاب «الأموال» مشتمل بر احادیث فراوان است، علما آن را در زمره کتب حدیثی ندانسته‌اند، بل که آن را از آثار فقهی شمرده‌اند. ساختار کتاب به صورت «کتاب»، سپس «باب» و بعد از آن ذکر احادیث و اقوال تنظیم شده است. (سوهارتو، ۲۰۰۰م: ص ۴-۶).

امام أبو عبید قاسم بن سلام هروی تلاش نموده است که کتاب خود را با منابع معتبر هم‌چون اقوال، افعال و مکاتبات پیامبر اکرم ﷺ، نامه‌های ایشان به امرا، اقوال خلفا و علمای سلف مستند سازد. (نورجمان، ۲۰۲۰م: ۵۱) در این کتاب، اسناد تاریخی مهمی مانند «میثاق مدینه» و نامه‌های پیامبر ﷺ نیز آمده است. از مطالعه این کتاب چنین برمی‌آید که ابن سلام نامه‌های خلفا، به‌ویژه نامه‌های عمر بن خطاب و عمر بن عبدالعزیز را در مسائل سیاست مالی به عنوان دلیل معتبر می‌پذیرد.

بروکلمان در مورد این کتاب می‌گوید: «کتاب الأموال به بررسی احکام زکات و خراج بر اساس دلایل قوی از قرآن، سنت و اقوال فقهی می‌پردازد.» این کتاب توسط محمد حامد الفقی در قاهره در سال ۱۴۵۳ هجری با اتکا بر نسخه‌های خطی مختلف منتشر شده است. (ربیع محمود، ۱۹۸۳م: ص ۲۷). هم‌چنین محمد عماره این اثر را نخستین کار بزرگ در میراث اسلامی دانسته و مؤلف آن را عالمی نقاد و تحلیل‌گر معرفی می‌کند که تنها راوی نیست، بل که میان روایات مقایسه کرده و رأی ترجیحی ارائه می‌دهد... (محمد عماره، ۱۹۸۹م: ۱۳-۱۴).

ابن حجر عسقلانی نیز می‌گوید: «کتاب الأموال از بهترین و نیکوترین تألیفات در فقه است.» جاحظ نیز با وجود اختلاف فکری، او را چنین ستوده است: «هیچ کس کتاب‌هایی صحیح‌تر و مفیدتر از او ننوشته است.» (العسقلانی، ۱۳۲۶: ۳۱۶).

این کتاب دارای نسخه‌های خطی متعدد است؛ از جمله نسخه دارالکتب مصر که در سال ۵۷۱ هجری توسط علی بن ابی بکر تجیبی کتابت شده، نسخه ظاهریه دمشق که در سال ۵۶۷ هجری توسط ابراهیم بن عبد الواحد مقدسی نوشته شده، و نسخه‌ای دیگر در دارالکتب مصر که در سال ۱۳۴۶ هجری کتابت شده و دارای برخی اشتباهات کتابتی است. (محمد عماره، ۱۹۸۹م: ۵۰-۵۱).

ابو عبید نام «کتاب الأموال» را به جای «کتاب الخراج» برگزیده است، زیرا مفهوم «الأموال» عام تر و جامع تر از «الخراج» می باشد. خراج تنها شامل مالیات ها و جزیه است، در حالی که «الأموال» شامل زکات، عشر و سایر منابع مالی دولت اسلامی نیز می شود. از دیدگاه اقتصادی معاصر، «الأموال» معادل Public Finance (مالیه عمومی) و «الخراج» معادل Taxation (مالیات) دانسته می شود. (سوهارتو، ۲۰۰۰م: ص ۴-۶).

کتاب الأموال نه تنها یک اثر فقهی، بل که منبعی تاریخی برای بررسی قرون نخستین اقتصاد اسلامی است. این کتاب با روش منظم، مسائل را مطرح کرده، دیدگاه ها را بیان نموده و سپس میان آن ها ترجیح داده است. با وجود ثنای علما بر این اثر، برخی مانند خطیب بغدادی نقادی بر آن وارد کرده اند، اما این نقد مربوط به ضعف حدیثی نیست، بل که به کم بودن نقل ها در مقایسه با منابع حدیثی بازمی گردد، زیرا هدف اصلی کتاب، بحث فقهی بوده نه تدوین صرف حدیث. (البغدادی، ۲۰۰۲م: ۴۱۳).

روش ابن سلام در این کتاب مبتنی بر جمع میان روایات، نقد اسناد، توضیح لغات دشوار و ترجیح علمی اقوال است. او خود را ملتزم به نقل کامل همه احادیث یک باب نمی دانست، بل که گاهی تنها به ذکر یک یا دو حدیث اکتفا می کرد. به همین دلیل، برخی علما مانند ابراهیم حربی او را در حدیث به سطح تخصصی ائمه حدیث مانند احمد بن حنبل و یحیی بن معین ندانسته اند، هرچند در علوم دیگر او را بسیار برتر می شمارند. (ربیع محمود، ۱۹۸۳م: ص ۳۸).

این کتاب بارها چاپ شده است؛ از جمله چاپ محمد حامد الفقی (۱۳۵۳هـ قاهره)، چاپ محمد خلیل هراس (۱۳۸۸هـ)، و چاپ مؤسسه ناصر در بیروت (۱۹۸۱م) که همراه با تعلیقات و تصرفات علمی منتشر گردیده است. (محمد عماره، ۱۹۸۹م: ۵۱-۵۲).

در جمع بندی می توان گفت کتاب «الأموال» از آثار بنیادین فقه اسلامی و اقتصاد اسلامی است که از حیث جامعیت، دقت، نظم، عمق و اصالت، جایگاه ویژه ای در میان آثار علمی تمدن اسلامی دارد و هم چنان یکی از منابع مهم در مطالعات مالی و فقهی به شمار می رود.

نتیجه گیری

تحقیق حاضر با هدف تبیین و ارزیابی جایگاه علمی أبو عبید قاسم بن سلام هروی در تکوین و توسعه علوم اسلامی انجام شد. یافته های تحقیق نشان می دهد که أبو عبید از جمله دانشمندان برجسته قرن دوم و سوم هجری است که نقش مهمی در شکل گیری و نظام مندسازی شماری از علوم اسلامی، به ویژه حدیث، لغت، تفسیر، فقه الحدیث و مباحث اقتصادی اسلام ایفا نموده است. بررسی منابع کلاسیک و مطالعات معاصر بیانگر آن است که وی تنها یک محدث یا لغوی برجسته

نبوده، بل که اندیشمندی جامع‌الاطراف بوده است که با رویکردی علمی و روشمند در فهم و تحلیل متون دینی، سهم قابل توجهی در توسعه‌ی میراث علمی تمدن اسلامی داشته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که آثار علمی أبو عبید، به‌ویژه کتاب «الأموال» و «غریب الحدیث»، از مهم‌ترین منابعی به شمار می‌روند که در تدوین و تثبیت مبانی برخی از علوم اسلامی نقش اساسی داشته‌اند. وی با گردآوری، تنظیم و تحلیل روایات و نصوص دینی، زمینه را برای گذار از مرحله نقل صرف به مرحله تحلیل، استنباط و نظام‌مندسازی دانش اسلامی فراهم ساخته است. این ویژگی سبب گردیده است که آثار او مورد استفاده و استناد گسترده دانشمندان پس از وی قرار گیرد. هم‌چنین یافته‌ها حاکی از آن است که یکی از برجسته‌ترین ابعاد شخصیت علمی أبو عبید، توانایی او در ایجاد پیوند میان علوم لغوی و حدیثی بوده است. او با بهره‌گیری از دانش عمیق زبانی، در فهم واژگان و مفاهیم دشوار احادیث نقش مؤثری ایفا کرد و بدین ترتیب، به ارتقای روش‌های فهم و تفسیر متون دینی کمک نمود. این رویکرد روش‌شناختی نه تنها در آثار خود او منعکس گردیده، بل که بر بسیاری از اندیشمندان و محققان پس از وی نیز تأثیرگذار بوده است. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که أبو عبید قاسم بن سلام هروی از شخصیت‌های تأثیرگذار در تاریخ علوم اسلامی به شمار می‌رود که نقش او فراتر از تألیف و روایت بوده و در شکل‌دهی به ساختار معرفتی و روش‌شناختی علوم اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. از این رو، شناخت دقیق اندیشه‌ها، آثار و روش علمی وی می‌تواند در فهم بهتر روند تحول علوم اسلامی و بازشناسی سهم دانشمندان نخستین در شکوفایی تمدن اسلامی نقش مهمی ایفا نماید.

پیشنهاده‌ها

۱. پیشنهاد می‌شود نهادهای علمی و تحصیلات عالی کشور با حمایت از تحقیقات تاریخی و تمدنی، زمینه انجام تحقیقات عمیق‌تر درباره شخصیت‌ها و دانشمندان برجسته اسلامی، به‌ویژه عالمان برخاسته از سرزمین خراسان و افغانستان امروزی را فراهم سازند تا سهم آنان در تمدن اسلامی به‌گونه علمی و مستند معرفی گردد؛
۲. وزارت تحصیلات عالی و مراکز علمی کشور می‌توانند آثار و اندیشه‌های أبو عبید قاسم بن سلام هروی و سایر دانشمندان هم‌عصر وی را در برنامه‌های درسی رشته‌های شریعت، علوم اسلامی و مطالعات تمدن اسلامی مورد توجه بیش‌تر قرار دهند تا محصلان با میراث علمی این شخصیت‌ها آشنایی گسترده‌تری پیدا کنند؛
۳. به محققان و دانشجویان مقاطع عالی چون ماستری و دکتورا پیشنهاد می‌شود که با رویکردهای نوین علمی، به بررسی تطبیقی اندیشه‌ها، روش‌شناسی و آثار أبو عبید قاسم بن سلام هروی با سایر

دانشمندان قرون نخستین اسلامی پرداخته و ابعاد کمتر شناخته‌شده میراث علمی وی را آشکار سازند؛

۴. شایسته است مراکز تحقیقاتی و پوهنتون‌های کشور پروژه‌های علمی ویژه‌ای را برای تصحیح، ترجمه، تحقیق و نشر آثار خطی و چاپی دانشمندان اسلامی، از جمله آثار ابو عبید قاسم بن سلام هروی، روی دست گیرند تا زمینه بهره‌برداری گسترده‌تر از این میراث ارزشمند فراهم گردد؛

۵. به محققان حوزه علوم اسلامی پیشنهاد می‌شود نقش ابو عبید قاسم بن سلام هروی را در پیوند میان علوم لغوی، حدیثی و فقهی به‌صورت تخصصی‌تر بررسی نمایند؛ زیرا این حوزه هنوز ظرفیت‌های فراوانی برای تحقیق و تولید دانش دارد؛

۶. پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران فرهنگی و علمی کشور با تدوین برنامه‌های حمایتی برای تحقیقاتی بنیادین در حوزه‌ی تاریخ علوم اسلامی، زمینه احیای میراث علمی دانشمندان مسلمان را فراهم ساخته و از نشر آثار تحقیقی مرتبط حمایت نمایند؛

۷. لازم است محققان افغانستان با بهره‌گیری از منابع اصیل عربی و نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های معتبر جهان اسلام، تحقیقات جامع‌تر و مستندتری را درباره نقش دانشمندان خراسانی در تکوین علوم اسلامی انجام دهند تا سهم علمی این منطقه در تمدن اسلامی به‌درستی تبیین گردد.

منابع

- ابن عساکر، أبو القاسم علي بن الحسن بن هبة الله. (۱۹۹۵) تاريخ دمشق، ج ۱۴. بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
- البغدادی، أبو بکر أحمد بن علي بن ثابت بن أحمد بن مهدي الخطيب. (۲۰۰۲). تاريخ بغداد، ج ۱۴. بيروت: دار الغرب الإسلامي.
- بکدش، سائد. (۱۹۹۱م). أبو عبيد القاسم بن سلام: مجتهد ومحدث فقيه ولغوي بارع. دمشق: دار القلم.
- سودارنو، حميدي، و موثيفين، إيم. (۲۰۱۸م). ترجيحات الإمام أبي عبيد القاسم بن سلام بن عبد الله الهروي في الزكاة من كتاب الأموال. Jurnal Studi Islam، ۱۹ (1)، ۶۷/۸۳.
- العسقلاني، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر. (۱۳۲۶). تهذيب التهذيب (ج. ۸). بيروت: دار الفكر.
- محمد عمار. (۱۹۸۹). مقدمة كتاب الأموال. بيروت: دار الشروق.
- محمود، عبد الله ربيع. (۱۹۸۳م). أبو عبيد القاسم بن سلام: ثقافته العلمية وآثاره. دمنهور: جامعة الأزهر.
- الهروي، أبو عبيد القاسم بن سلام. (۱۹۸۹م). كتاب الأموال. بيروت: دار الشروق.
- Nurjaman, Muhammad Izazi, & Muhammad Danil, "Relevansi Pemikiran Ekonomi Abu Ubaid di Indonesia", in the Islamic Circle, V, 1,2, 2020, Pp. 47-65.
- Suharto, U. Early Discourse on Islamic Public Finance: A Study Based on Kitab Al-amwal of Abu'Ubayd Al-Qasim B. Sallam (d. 224/838) (Doctoral dissertation, International Institute of Islamic Thought and Civilization, 2020 (ISTAC)).